

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

محمد شریف منصور

۰۹ جولای ۲۰۲۲



شریف منصور

زندگینامه حضرت محمد مصطفی (ص)

(بخش چهارم)

قریشی ها که پس از وفات ابوطالب گستاخ تر شده بودند بیشتر بر آن حضرت سخت می گرفتند و ایشان را می آزرند. پیامبر در دهمین سال پس از بعثت مجبور شد که مکه را ترک کند و به طائف برود. آن حضرت ده روز در طائف ماند و مردم را به اسلام دعوت کرد اما نه تنها هیچ کس به دعوت ایشان لبیک نگفت [۱] بلکه آن ها سخنان پیامبر را تکذیب و خود ایشان را سنگ باران کردند و آن حضرت را از آنجا بیرون کردند. [۲] حضرت محمد مصطفی ناگزیر شد که به مکه برگردد.

پیامبر با وجود آن که بزرگ ترین حامیان خودش را از دست داده بود باز هم شب و روز برای ترویج اسلام می کوشید و مانند سال های گذشته، در زمان برگزاری مراسم حج هم قبایل مختلف را به پذیرش اسلام تشویق می کرد. [۳] در یکی از سال ها پیامبر در زمان حج، با شش تن از قبیله خزرج که از مدینه منوره [یثرب] آمده بودند دیدار کرد و آن ها را به پذیرش دین اسلام فراخواند. آن ها اسلام را پذیرفتند و به پیامبری حضرت محمد ایمان آوردند و با پیامبر، پیمان بستند که مردم مدینه را به اسلام دعوت کنند و به قول خود عمل کردند. و در نتیجه اکثر مردم مدینه از پیامبری حضرت محمد باخبر شدند. سال بعد، در همان زمان، دوازده تن از سران مردم مدینه در عقبه با حضرت محمد (ص) دیدار کردند و کسانی از آن ها که هنوز مسلمان نشده بودند ایمان آوردند و با پیامبر پیمان بستند که به خدا شرک نوزند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را مانند جاهلان نکشند، به دیگران تهمت نزنند و هر دستوری که پیامبر داد، بپذیرند. این پیمان، پیمان عقبه اول نامیده می شود. سران مدینه منوره به مدینه بازگشتند و به دعوت مردم به اسلام مشغول شدند و در مدینه مسجدی اعمار کردند. [۴]

پس از آن پیامبر(ص) حضرت مصعب بن عمیر یکی از یاران خود را به درخواست ساکنان مدینه به آنجا فرستاد [۵] تا ضمن دعوت مردم مدینه به اسلام، به مسلمانان آن ها قرآن و احکام دینی را بیاموزد. [۶] در مراسم حج سال بعد، بیش از هفتاد تن از بزرگان و مشاهیر مدینه، پس از انجام مراسم حج در عقبه با پیامبر و عموی ایشان حضرت عباس دیدار کردند. آن ها در این دیدار تعهد کردند که از پیامبر همانند اعضای خانواده شان محافظت و حمایت کنند. این پیمان، پیمان دوم عقبه بود. آن شب پیامبر از میان آن ها دوازده تن را برگزید تا همانند حواریون حضرت عیسی، آنان نقیب و حواری او باشند. پس از آن پیامبر به یارانش اجازه داد که مکه را ترک کنند و به مدینه بروند.

با وجود آن که این دیدار و صحبت مخفیانه انجام شد اما سران قریش از این موضوع مطلع شدند و تصمیم گرفتند که پیامبر را از میان بردارند. قرار بود که این کار در یکی از شب ها به وسیله جوانانی از قبایل مختلف انجام شود تا بنی هاشم نتواند از آن ها انتقام بگیرند و به دریافت خونبها اکتفاء کنند. [۷]

پیامبر در شب موعود از حضرت علی (رض) خواست که در بستر ایشان بخوابد تا کسانی که در کمین ایشان بودند متوجه نبود ایشان نشوند و پس از رفتن پیامبر امانت هائی را که از مردم نزد ایشان بود، به صاحبان آن ها مسترد کنند [۸] پس از آن پیامبر به همراه با حضرت ابوبکر مکه را ترک کرد و به غار ثور رفت و پس از سه روز ماندن در آنجا خودش را به مدینه منوره رساند. قریشی ها چندین ساعت پس از خروج آن حضرت از مکه متوجه سفر ایشان شدند و برای کسی که آن حضرت را دستگیر کند جایزه گذاشتند [۹] اما به ایشان دست نیافتند. حضرت علی هم پس از رفتن پیامبر سه روز به خاطر سپردن امانت ها به صاحبان شان در مکه ماند و پس از آن او هم مکه را ترک کرد و به مدینه رفت. [۱۰]

ادامه دارد...

پی نوشت ها:

- ۱- طبقات، ج اول، ص ۱۹۶ و ۱۹۷
- ۲- تاریخ یعقوبی، ج اول، ص ۳۹۵
- ۳- طبقات، ص ۲۰۶
- ۴- سیره رسول خدا، ص ۲۱۳-۲۱۶
- ۵- طبقات، ج اول، ص ۲۰۶
- ۶- سیره رسول خدا، ص ۲۱۵
- ۷- سیره رسول خدا، ص ۲۲۰-۲۳۲
- ۸- تاریخ یعقوبی، ج اول، ص ۳۹۸
- ۹- سیره رسول خدا، ص ۲۳۷
- ۱۰- همان، ص ۲۳۹